

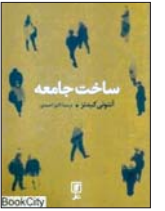
دربچه

تجربه نظری در ساخت جامعه

● آنتونی گیدنز جامعه‌شناس بریتانیایی به نظریه ساختیابی و دیدگاه جامع‌نگر خود به جوامع مدرن شهره است و بیش از ۳۰ اثر در جامعه‌شناسی منتشر کرده که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. آثار او به فارسی نیز برگردانده شده و در ایران چهره‌ای شناخته‌شده است. به‌نازکی کتاب «ساخت جامعه» او با ترجمه اکبر احمدی به بازار آمده. پیشینه این کتاب در مجموعه‌ای از پیشرفت‌های مهمی قرار دارد که در یک‌دهه‌ونیم گذشته در علوم اجتماعی اتفاق افتاده است. این پیشرفت به میزان زیادی در نظریه اجتماعی تمرکز یافته و مخصوصا به خطرناک‌ترین و محرک‌ترین علوم اجتماعی، یعنی جامعه‌شناسی مربوط است.

«ساخت جامعه» رهیافتی به نظریه اجتماعی را از نوع بسیار معینی شروع می‌کند که ترکیبی است از شرحی دقیق از کارکردگرایی و مفهومی طبیعت‌گرایانه از جامعه‌شناسی. نوشته‌های پارسونز این دیدگاه‌ها را با تفصیل نسبتاً زیاد بسط دادند؛ اگرچه تأکید داشتند که کنش انسانی، صفات بسیار خاص و متمایزی دارد. علم اجتماعی روی‌هم‌رفته در چارچوب منطقی مشابهی با علم طبیعی سهیم است. براساس آنچه مؤلف در مقدمه می‌گوید، نظریه ساختیابی بر این قضیه بنا می‌شود که این دוגانگی باید به‌عنوان دوسویگی- دوسویگی ساختار- مفهوم‌سازی مجدد شود. اگرچه او می‌پذیرد معنای چرخش زبانی، ترجمه روش تأویل یا جامعه‌شناسی تفسیری نیست، مادامی که تأیید می‌کند جامعه خالق سوزه‌های فردی نیست؛ از هر مفهومی از جامعه‌شناسی ساختاری دور است؛ هرچند گیدنز تلاش مفهومی زیادی دارد تا توضیحی منسجم از عاملیت انسانی و مطالبات ساختار را صورت‌بندی کند. شرحی از این دیدگاه‌ها در فصل اول کتاب ارائه و در فصل‌های بعدی بسط داده می‌شود. این تفسیر مستقیما به موضوعات مهمی مانند مطالعه روابط فضا- زمان می‌پردازد و نشان می‌دهد ویژگی‌های ساختار نظام‌های اجتماعی تا آنجا وجود دارند که اشکال رفتار اجتماعی پیوسته در فضا و زمان بازتابی شوند. بر این اساس می‌توان ساختاریابی نهادها را درک کرد که چگونه فعالیت‌های اجتماعی به سراسر گستره وسیع زمان - فضا کشیده می‌شوند. گیدنز در بخشی از کتاب می‌نویسد: «نظریه ساختیابی تا اندازه‌ای زیادی از طریق انتقاد درونی خودش - از زبانیی انتقاد انواع مکاتب اندیشه اجتماعی معمولا رقیب - فرمول‌بندی شد. به جای اینکه اجازه بدهم برخی از این مواجعه‌های انتقادی به بخش‌های اصلی متن تحمیل شوند، آنها را به‌عنوان ضمیمه به آن فصولی افزودم که به‌طور واسطه‌ای به آنها مربوطاند. (یادداشت‌های پیوسته به آنها به طور یکسانی در بی یادداشت‌هایی می‌آیند که به فصول مربوط، متعلق‌اند). خواننده‌ای که مایل است خط اصلی بحث را تا اندازه‌ای بدون زحمت دنبال کند، می‌تواند از آنها چشم‌پوشی کند؛ ولی آنها برای کسی سودمندند که به علاقه‌مند است که به اینکه دیدگاه‌هایی که من از آنها دفاع می‌کنم، چگونه از دیدگاه‌های دیگران متفاوت‌اند یا به توضیح موضوعات مورد بحث به شیوه‌ای خلاصه در کانون هر فصل علاقه‌مند است. انواع اصطلاحات جدید در این کتاب استفاده می‌شوند و من فرهنگ اصطلاحاتی از آنها را در پایان گنجانده‌ام.

در فصل اول کتاب، شرح مختصری از مفاهیم اصلی مستلزم نظریه ساختیابی ارائه می‌شود. فصل بعدی به بحث درباره آگاهی، ناآگاهی و ساخت زندگی روزمره می‌پردازد. در نظر گیدنز عوامل یا کنشگران انسانی در حین انجام کار توانایی درک آن را دارند. او تأکید دارد توانایی‌های بازتابی کنشگر انسانی مشخصا مستلزم سبکی پیوسته با جریان رفتار روزمره در زمینه‌های فعالیت اجتماعی است؛ اما بازتابندگی فقط تا اندازه‌ای در سطحی گفتاری به کار می‌رود. او آگاهی را عملی مرکب از همه کارهایی می‌داند که کنشگران به طور ضمنی از آنها آگاه هستند. معنای آگاهی عملی از موضوعات مهم کتاب حاضر است که از آگاهی گفتاری و همچنین ناآگاه متمایز می‌شود. گیدنز در صورت‌بندی نظریه ساختیابی از دوغانگی مرتبط با عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی نیز فاصله می‌گیرد. همچنین نویسنده می‌کوشد به مقولاتی مانند فشار در نظریه اجتماعی پیردازد و نشان دهد با این اصطلاح چه معانی دوتابانی در نظریه ساختیابی مطرح است. گیدنز ضمن تأکید بر اینکه فردگرایی روش شناختی را نیز نمی‌پذیرد، نشان می‌دهد شناخت ماهیت و معنای فشار ساختاری به معنای تسلیم‌شدن به جاذبه‌های جامعه‌شناسی ساختاری نیست. ساختار در نظریه ساختیابی به معنای چیزی متفاوت از کاربرد معمول آن در علوم اجتماعی است. ازاین‌رو، کتاب حاضر به مفاهیم دیگری در این زمینه می‌پردازد و می‌کوشد ضرورت آنها را نشان دهد. یکی از مهم‌ترین این مفاهیم ایده اصول ساختاری است که ویژگی‌های ساختاری جوامع عام یا کلیت‌های جامعه‌ای هستند. همچنین گیدنز نشان می‌دهد که از طریق مفهوم اصول ساختاری می‌توان مفهوم تناقض را به‌عنوان مفهومی کاربردی برای تحلیل اجتماعی استفاده کرد.



ساخت جامعه

آنتونی گیدنز

ترجمه: اکبر احمدی

ناشر: علم

قیمت: ۳۸۵۰۰ تومان

ادامه از صفحه اول

انتظار اینکه در آثار او هیچ تناقض و تغییری نیابیم بیهوده است و تاکنون هیچ‌کدام از دوستداران شریعتی هم چنین ادعایی نکرده‌اند، باین‌همه، در اندیشه شریعتی، از نخستین آثار در نوجوانی در قالب ترجمه «ابودر همچون خداپرست و سوسیالیست» (از زبان عربی) تا آخرین جمله‌های او، در نهایت یک وحدت درونی می‌بینیم. باید هسته سخت شریعتی را از پوسته او جدا کنیم. این کار را باید درباره امام علی و نهج‌البلاغه هم انجام دهیم چون در دوران تاریخی برده‌داری و پدرسالاری و قبیله‌ای بوده است و همه این عناصر وارد زبان و فرهنگ می‌شود. کار ما به‌عنوان واسازی این است که هسته را از عناصر عارضی و پوسته جدا کنیم.
اجتهاد هم به معنای درست کلمه همین است.

روشنفکری امروز ما در بحران است. این بحران البته خاص روشنفکر ایرانی نیست و به‌طورکلی بحران مرجعیت‌هاست. جامعه راه خودش را می‌رود و کمترین توجهی به روشنفکران ندارد و گاه برعکس این روشنفکران هستند که به‌دنبال توده راه می‌افتند. البته این مشکل در سطح جهانی وجود دارد. امروز بر خلاف گذشته روشنفکرانی مثل سارتر، برودیو یا مارکس نمی‌بینیم که دارای مرجعیت باشند. دلیل آن گسترش سرمایه مالی و نولیبرالیسم و جهانی‌سازی و جامعه شبکه‌ای و جایگزینی روابط افقی با عمودی است. مرجعیت قبلی روشنفکران متعلق به دورانی بود که فضای مجازی و گروه‌های متعدد افقی به وجود نیامده بود. روشنفکران امروز جایی در این شبکه ندارند.

روشنفکران امروز هیچ قشر و طبقه‌ای را نمایندگی نمی‌کنند. طبقه مذهبی سنتی نماینده خود را دارد. طبقه کارگر در ایران اصلا هیچ نماینده‌ای ندارد. زحمت‌کشان بدون نماینده‌اند و جریان راست می‌کوشد به‌زور نماینده کارگران باشد، هرچند ناموفق بوده است. طبقه متوسط جدید هم که در شبکه‌های مجازی زندگی می‌کند و ارتباطش با روشنفکران قطع است. کلان‌سرمایه‌داران را نیز بوروکراسی و تکنوکراسی نمایندگی می‌کند. روشنفکری امروز ایران تک ساختی است. پس زبانش با زبان مردم فاصله عمیقی دارد. روشنفکری دهه ۴۰ و ۵۰ این مشکل را حل کرده بود. جلال آل‌احمد را بخوانید، او در جایی می‌گوید به مکانی که کارگر و عمله و فعله حضور داشته‌اند رفته و او را به‌خاطر نوع پوشش عمله خوانده‌اند و جلال این را افتخار خود می‌دانست. جنبش چریکی هم همین نگاه را داشت و یکی از راه‌های نزدیکی به مردم را هم‌زیستی واقعی و کار واقعی مثلاً در کوره‌پزخانه‌ها می‌دانست.

امروز زیست جهان و زبان روشنفکران از مردم جدا شده و عین انسان تک ساختی مارکوزه شده‌اند. روشنفکر کسی است که مسئولیت پرمته‌ای دارد. ما به روشنفکر عرصه عمومی نیاز داریم به‌خصوص در جامعه ایران که بسیاری از تش‌های اساسی تفکیک نشده‌اند. شریعتی روشنفکری را نوعی پیامبری می‌دانست ولی روشنفکر تک ساختی به تعریف فیلسوف نزدیک می‌شود. در جامعه ما زوج آزادی و عدالت در تقابل قرار دارند. برخی روشنفکران به آزادی می‌پردازند و از عدالت عبور می‌کنند و به‌همین‌دلیل نمی‌توانند با توده مردم ارتباط برقرار کنند چون مسئله مردم نان است. تقابل دیگر بین ایران‌گرایی و جهان‌وطنی است. برخی ناسیونالیسم ایرانی را تبلیغ می‌کنند که گاه بوی متفنن شریعتی متاخر نیاز نیز از آن به مشام می‌رسد. برعکس برخی روشنفکران کلا مسئله ایران را کنار می‌گذارند در نتیجه روشنفکر ما تک ساختی و بدون ایدئولوژی شده است؛ ایدئولوژی‌ای که با تاجریسم و ریگانیسم مرگش اعلام شد. چرا؟ چون ایدئولوژی‌ای بود که از تغییر حرف می‌زد. ما امروز به روشنفکر ساختی مثل شریعتی متاخر نیاز داریم. روشنفکری که اگر به آزادی فکر می‌کند از فقر و بی‌عدالتی و استثمار عبور نکند و برعکس. او همچنین تکامل وجودی خود را نباید فراموش کند و مبارزه را فقط راهی برای تغییر جامعه داند و خودش هم در حین آن تغییر کند، این یعنی وابستگی من و جهان.

احسان شریعتی: تلاش برای «بازگشت»

در چهلمین یادمان شریعتی، ناگزیریم از بازگشت به موضوع شریعتی. خود شریعتی و میراث او، اینکه باز ببینیم شریعتی که بود؟ و اصل سخنش چه بود؟ یعنی طرح این پرسش به‌ظاهر بدیهی که، از که و از چه سخن می‌گوییم؟ پس برویم سر اصل موضوع تا بتوانیم سطح افاق تازه‌ای از مقوله شریعتی را نشان دهیم. «بازگشت به خود چیزها» شعار فونمونلوزی بود. به‌خلاف رویکرد پوزیتیویستی (و تجربه‌گرای منطقی) اما، این چیز، امر، موضوع، یک شیء، مادی محاسبه‌پذیر و قابل اندازه‌گیری نیست، بلکه معنا و مضمونی است که پیرامون آن میان پژوهشگران نزاعی در کار است. به بهانه چهلمین سالگرد معلم شریعتی، آمده‌ایم که بپرسیم و بدانیم که طرح شریعتی امروز چه موضوعیتی دارد؟ از میان این‌همه شریعتی‌های مجازی کدامیک شریعتی اصیل است؟ سخن اصلی شریعتی و اصل حرف او چه بود؟

همه کمابیش می‌دانیم که هسته منسجم (محکمات) اندیشه شریعتی، ارائه بدیلی در برابر تثلیث «رژ و زور و تزویر» بود؛ با ترسیم مثلث «عرفان، برابری، آزادی» (خودآگاهی انسانی- معنوی، عدالت اجتماعی، دموکراسی سیاسی). آنچه اما کمتر ممکن است بدانیم، نحوه برقرار ساختن تعادلی است که او، در تقابل میان نوعی از معنویت (عرفانی، اخلاقی، دینی)، با نوعی از عقلانیت انتقادی- اجتماعی، درافکنده است.

شریعتی روشنفکری متفکر بود. متفکر الزاما همان فیلسوف و متافیزیسین (به معنای افلاطونی- ارسطویی این اصطلاحات) نبود، اما یک فیلسوف راستین حتما باید یک متفکر با اندیشه‌ورز باشد. وگرنه مثل بنده در بهترین حالت یک فلسفه‌پژوه است، یک مدرس، یک شارح و از این دست... شریعتی روشنفکری بود که تفکر معاصر جهان‌روا را می‌شناخت. او اما خود را در برابر هیبت مهیب اندیشه‌ورزان بزرگ جهان نمی‌باخت،

اندیشه



هاشم آقاچری، یوسف ابادزی و احسان شریعتی در چهلمین یادمان شریعتی

کشف رمز از اسطوره شریعتی

ایمان در عمل پرداخت که جا دارد در اینجا از مجموعه چهره‌هایی که با مایه‌گذاشتن از جان و جوانی خویش این مشعل را روشن نگاه داشتند، به‌ویژه در سخت‌ترین برهه‌ها قدردانی شود. و بالاخره، واپسین و مهم‌ترین شاخصه اندیشه و راهکار آن معلم، تعهد اجتماعی و تاوأم مبارزه است که تا به امروز در تمامی عرصه‌های حیات مدنی و فرهنگی استمرار یافته است.

بنا به همه دلایلی که می‌دانیم و نمی‌دانیم، طبیعی است که در صدا و سیما و نهادهای رسمی (و حتی مستقلی مانند حسینیه ارشاد و...)، برای شریعتی مراسمی نیست و ما مجبوریم باز به‌جای جامعه به دانشگاه عقب‌نشینی کنیم! این‌گونه دوغانگی و پرهیز در مورد نامی که بر در و دیوارهای شهر و نهادهای و تقویم رسمی نقش بسته، از اتفاق نشان زنده و به‌روز و خطیر بودن خاطره آن معلم است. امروز در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران جمع شده‌ایم که در واقع خانه معنوی شریعتی است و می‌دانیم که از مشخصات گفتمان شریعتی، «بینارشته‌ای» بودن این کلام است، با محوریت جامعه‌شناسی و تاریخ. تاریخ همان قاره دیگری که آلتوسر مدعی بود مارکس کشف کرده است و ما می‌گوییم در تاریخ خود، این‌خلدون‌ها را داشته‌ایم. مراسم امروز را با در نظرگرفتن همه این ملاحظات، باید اعلام پیش‌درآمد برگزاری مراسم اصلی امسال، چهلمین سالگشت هجرت شریعتی دانست، که در سال جاری همچنان جریان خواهد داشت. و به این شیوه، با میثاق آن معلم مردم بار دیگر تجدید عهد می‌کنیم، که از این پس و از این نقطه، عزمی دیگر را بیازاییم و با ادای وظیفه بازسازی گفتمان «نوشریعتی»، تک‌تک پژوهشگران و پیوندگانی که در این افق فکری می‌اندیشند، با قلم و قدم خود، به مسئولیت تاریخی خویش در راه آگاهی و رهایی‌بخشی عمل کنند و این همان بزرگداشت راستین یاد و راه و میراث آموزگاران پیشین و اعتلای اندیشه آنهاست.

ابادزی: درباره ناقدان شریعتی

وقتی راجع به شریعتی حرف می‌زنیم از نوعی اسطوره حرف می‌زنیم. کسی که آن قدر دل‌های زیادی پیرامون او ساخته شده که نمی‌توان از یک شریعتی حرف زد. می‌کوشم از این اسطوره کشف رمز کنم؛ یک مارکسیست اسلامی، آدمی که متعلق به دوران خودش بوده و دورانش سر آمده، من درباره این اسطوره حرف

می‌زنم. می‌گویند او یکی از مهم‌ترین مسببان انقلاب اسلامی بوده است و تمام و تمامی نیابیم بیهوده احساساتی بودیم و الان باید عقلانی باشیم. به کمک علم، معرفت‌شناسی و واقعیت‌های امروز باید نگاهی به برخی از ارزش‌های «علمی» داشته باشیم. دو گروه به شریعتی از این دید حمله می‌کنند؛ یکی گروه تاجریست‌های اسلامی که عمداً دور نشربه مهرنامه گردآمده‌اند. گروه دوم، کوروش کبیری‌ها هستند که ترکیبی است از سلطنت‌طلبان و... آنها هم فکر می‌کنند شریعتی به دوران ما تعلق ندارد. این دو گروه نه اقتصاددان صرف هستند و نه فیلسوف سیاسی.

بنیامین مقاله‌ای دارد با عنوان «سرمایه‌داری به مثابه دین» که در آن از خصوصیات مشابه سرمایه‌داری و دین می‌گوید. هر دو، نوعی کیش و آیین‌اند و در هر دو فایده‌گرایی به چشم می‌خورد. اولین مفهومی که از نظر بنیامین سرمایه‌داری را به نوعی کیش و آیین تبدیل می‌کند این است که در آن احساس معصیت و گناه وجود دارد. تاجریست‌های اسلامی هم در ایران سرمایه‌داری را به عنوان کیشی جدید معرفی می‌کنند. طبق گفته بنیامین ما با یک نظام اجتماعی و اقتصادی طرف نیستیم، بلکه با یک دین و آیین مواجهیم. شریعتی در سال ۵۲ درباره آزادی تجارت و آزادی سرمایه‌گذاری حرف می‌زند و تبدیل آنها به مفاهیم شورانگیز. مردم گمان می‌کنند در این آیین همه چیز مقدس است. در اینجا حرف شریعتی همان حرف بنیامین است. بی‌جهت نیست که امروز شریعتی و آل‌احمد مورد حمله تاجریست‌های اسلامی هستند. دکتر غنی‌نژاد ۱۰ سال قبل در مقاله‌ای با عنوان «اصلاح‌طلبی پوپولیسم چپ» گفته بود شریعتی انشااللهی بیش نیست. او در این مقاله به اصل ۴۴ هم اشاره می‌کند. امروز نتایج این اصل روشن شده است. نتایج اقتصاد بی‌اخلاق که ایشان در آن مقاله از آن حرف می‌زدند در وضعیت و فساد فراگیر امروز مشخص شده که گوشه‌ای از آن را در مناظرات ریاست جمهوری امسال شاهد بودیم.

تاجریست‌های اسلامی مدام از جراحی اقتصاد حرف می‌زنند. همه جراحی‌های ساختاری و قانونی اقتصاد در این مدت انجام شده؛ منتها شخصی نیست چرا این بیمار همچنان روی تخت افتاده و نمی‌تواند از جایش بلند شود. یکی از ایده‌های هایک عقل مصنوع است. (یعنی عقلی که بخواهد جامعه را بسازد مثل عقل داکارت و کانت و هگل). هایک این نوع عقل را محکوم می‌کند و می‌گوید به توتالیتریسم می‌رسد. دومین اعتقاد او این است که قواعد بازار در طول تاریخ تکامل پیدا کرده و براساس بقای اصلح پیش می‌رود. تاجریست‌های اسلامی عقیده دارند پوپر و هایک مثل هم هستند؛ درحالی‌که برای پوپر خرد مهم است و در قالب علم وجود دارد و فرایند خرد نقادانه کمک می‌کند که در جامعه رسوم بد را با رسوم خوب جایگزین کنیم، ولی هایک راه جدیدی را بنیان نهاد. تاجریست‌های اسلامی هم هیچ نوع خردی را قبول ندارند. امروز شاید مشخص شده باشد که چه کسی انشا می‌نویسد، دکتر شریعتی و آل‌احمد یا دکتر غنی‌نژاد یا دکتر نیلی؟ دکتر نیلی بر خلاف دکتر غنی‌نژاد فردمندی است و هایکی نیست. او معتقد است آنچه علم اقتصاد را می‌سازد پیشگویی است. سوال من از آقای نیلی به صورت صریح این است که ایشان تاکنون چه چیزی را پیشگویی کرده‌اند؟ عین همین سوال را ملکه انگلستان بعد از بحران ۲۰۰۸ از اقتصاددانان بازار آزادی پرسید و آنها جواب دادند آن‌قدر غرق در ایدئولوژی بنیادگرایی بازار شده بودیم که بحران را نفهمیدیم.

بنیامین از زمان مکانی‌شده در فرایند پیشرفت حرف می‌زد. در مقابل آن زمان مسیانیک را قرار می‌داد. هبوط مسئله‌ای اساسی بود که هم برای بنیامین مهم بود و هم برای شریعتی.

نگاه

چهلَم شریعتی در بیروت

● علی شریعتی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در ساوت‌همپتون انگلیس از دنیا رفت. به مناسبت اولین چهلَم او مراسمی با دعوت‌نامه ۱۸ گروه انقلابی در بیروت برگزار شد. در مقدمه مجمع بزرگداشت شریعتی ضمن اشاره به شکل مرگ و خاکسپاری شریعتی و همچنین ممانعت و خرابکاری در جهت جلوگیری از برگزاری مراسم در سالن اجتماعات یونسکو در بیروت، گزارش می‌دهد که این مراسم با تلاش‌های سازمان‌های انقلابی و امام موسی صدر در سالن اجتماعات «عاملیه» به طرز جالب و شورانگیزی برگزار شد. در این گزارش نام سازمان‌های برگزارکننده نیز ذکر می‌شود: حرکت‌المحرومین لبنان، جبهه آزادی‌بخش ارتریه، جنبش ملی آزادی‌بخش، نیروهای العاصفه (بخش نظامی فتح)، گروه‌های مقاومت لبنان (امل)، نهضت آزادی ایران و دیگر سازمان‌هایی که از طرفداران و دوستان علی شریعتی بودند.

مجلس با مقدمه‌ای از سوی شیخ محمد یعقوب و به‌این‌ترتیب آغاز می‌شود: «در عصر تباهی و فساد و در فضای مسمومی که کفر بر دروازه‌ها لانه گزیده است علی شریعتی سخن را در استخدام عمل متعهدانه و در مسیر رستخیز انسان‌ها و وارستگی بهتر قرار داد...». سپس سخنرانی آقای صدر با اشاره‌ای به علت جمع‌شدن در چنین مراسمی آغاز می‌شود. او در جمله‌ای می‌گوید: «برادران و خواهران ما هرگز نپذیرفته و نمی‌پذیریم که از گروهی باشیم که تسلیم وضع موجود می‌شود و نه از گروهی‌که از رویارویی فرار می‌کنند... ما تجربه موفقیت‌آمیزی را که در لایه‌ای کلمات دکتر شریعتی و دوستانش استفاده می‌شود به‌عنوان یک ثروت بزرگ ارج می‌نهیم...». سخنران بعدی این مراسم آقای منیر شقیق نایبریس مرکز برنامه‌ریزی فلسطین است. او می‌گوید: «کسی که عملش با افکارش مطابقت داشته باشد تنها اوست که می‌تواند مبارز حقیقی و آموزنده باشد. آری دکتر علی شریعتی از این‌گونه متفکرین بوده...». سخنران بعدی این بزرگداشت باسر عرفات بود. او در ابتدا می‌گوید: «در این محفل مقدس باید به شما بگویم که دکتر علی شریعتی تنها یک مبارز ایرانی نیست و نه مبارزی متعلق به این منطقه بلکه او مبارزی است فلسطینی، لبنانی، عربی و جهانی...». عرفات با اشاره به مبارزات فلسطینیان و پیوستن جنوب لبنان به این مبارزات و شرح حوادث آن روز منطقه، به اتحاد و همبستگی اشاره می‌کند که توطئه‌های دشمن را نقش بر آب خواهد کرد و با این جمله کلامش را به پایان می‌رساند: «انقلاب تا پیروزی...».

دیگر سخنران مراسم، احسان، فرزند شریعتی بود: «بنام خداوند درهم‌کوبنده ستارگان... اسلام دینی بود که با «نه» محمد آغاز گردید و تشیع مذهبی که با «نه» علی. نه یعنی نفی قدرت‌های طاغوتی حاکم بر زمان، یعنی مبارزه بی‌وقفه حق علیه باطل در عرصه تاریخ یعنی جهاد به‌حق نیروهای توحیدی علیه نیروهای باطل مسلح...».

مجلس یادبود شریعتی در مطبوعات لبنان انعکاس یافت. روزنامه النهار، در تاریخ ۱۵ آگوست

۱۹۷۷ می‌نویسد: «مجلس یادبود چهلمین روز درگذشت علی شریعتی به تظاهرات سیاسی عظیمی

در مورد جنوب لبنان تبدیل شد». یادنامه‌ای که به این مناسبت منتشر می‌شود به نگرانی سفیر وقت

ایران در پی برگزاری این مراسم و همچنین مراتب

اعتراض او به لبنان اشاره‌ای می‌شود.

فراخوان برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

وزارت جهاد کشاورزی

الف – موضوع مناقصات:

– خرید و تامین (بارگیری، حمل، باراندازی و چیدمان) تجهیزات آبیاری بارانی پروژه طرح و ساخت شبکه فرعی آبیاری و زهکشی پایاب سد ماکو (مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۰۰/۰۰۰/۲۴۰/۳ریال)

– خرید و تامین (بارگیری، حمل، باراندازی و چیدمان) تجهیزات آبیاری بارانی پروژه طرح و ساخت شبکه فرعی آبیاری و زهکشی شیبلو (مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۰۰/۰۰۰/۵۵۵/۱ریال)

ب- تاریخ و مهلت دریافت اسناد:

اسناد ارزیابی و اوراق شرایط مناقصه از ساعت ۹ صبح مورخ ۹۶/۳/۳۱ لغایت ساعت ۱۶ عصر مورخ ۹۶/۴/۱۰ به صورت فیزیکی توزیع می گردد.

✓ ارائه فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۱ریال به شماره حساب ۲۱۷۳۸۱۹۰۰۱۰۰۲ بانک ملی شعبه بلوار کشاورز(بنام وزارت جهاد کشاورزی) و معرفی نامه جهت تهیه اسناد الزامی می باشد.

ج – تاریخ و مهلت تحویل اسناد:

آخرین مهلت تحویل و تسلیم اسناد ارزیابی و پیشنهاد قیمت ساعت ۱۵ مورخ ۹۶/۴/۲۴ می‌باشد و تامین کنندگان متقاضی می بایست پیشنهادات خود را به صورت فیزیکی به دبیر خانه کمیسیون معاملات تحویل نمایند.

د- تاریخ باز گشایی پیشنهادات:

پاکت های پیشنهاد قیمت ساعت ۹ مورخ ۹۶/۴/۲۷ در محل دبیر خانه کمیسیون معاملات باز گشایی می گردد و صرفا نماینده شرکت هایی که از آن ها دعوت به عمل خواهد آمد در جلسه حضور خواهند داشت.

هـ- آدرس کمیسیون معاملات:

تهران، خیابان طالقانی، نرسیده به پل حافظ، ساختمان شماره ۴ وزارت جهاد کشاورزی، طبقه اول، اتاق ۱۱۸، دبیر خانه کمیسیون معاملات وزارت جهاد کشاورزی ؛ شماره تماس ۴۲۵۴۴۵۶۶

هزینه چاپ آگهی فوق به عهده برنده مناقصات خواهد بود.